

۶. موعظه بر کوه: ۶ کلید برای گام برداشتن در ایمان حقیقی (متی ۷)

متی ۷: ۲۹-۱

قلب ایمان راستین: مقدمه‌ای

وقتی عیسی این «بخت‌پارهای خوشبختی» را برای جمعیت حاضر در دامنه کوه بیان کرد، یا همان‌طور که ما آنها را «نگرش‌های زیبا» می‌نامیم، مردم مشتاق شنیدن پیام او بودند. او چنان تعلیم می‌داد که هیچ‌کس پیش از آن نکرده بود، راه‌های ملکوت را به وضوح نشان می‌داد و همه را به تجربه آن دعوت می‌کرد. با نگاهی به آن زمان که حواریونش با او راه می‌رفتند، شاید بگوییم: «چه شگفت‌انگیز می‌بود که آنجا بودیم، سخنان عیسی را مستقیماً می‌شنیدیم و معجزه‌های او را می‌دیدیم.» چقدر شگفت‌انگیز می‌بود که چهره‌اش را بنگریم! اگر تا به حال چنین افکاری داشته‌اید، شما را تشویق می‌کنم که این کلمات زیبا را در دل خود جای دهید و گرمی بدارید. خداوند در کلماتش ضیافتی برای ما فراهم کرده است. او می‌خواهد که ما او را از طریق کلامش ببینیم و در عبادت و دعا با او همنشینی کنیم.

کشیش و نویسنده مسیحی، ای. دبلیو. توزر، یکبار گفت: «ما می‌توانیم هرچقدر که بخواهیم از خدا داشته باشیم.» این ممکن است آن‌قدر خوب به نظر برسد که باورنکردنی باشد، اما پس از تأمل دقیق، معتقدم که این حقیقت دارد. چرا؟ زیرا خدا هیچ چیز خوبی را از ما دریغ نمی‌کند، و گران‌بهاترین چیزی که می‌توانیم درخواست کنیم، بیشتر شدن شخصیت و حضور او در زندگی ماست. چه چیزی مانع از تجربه حضور خدا در زندگی ما می‌شود؟ نخندگی، تلخی و خشم نسبت به دیگران. این‌ها برخی از مسائلی هستند که عیسی پیش از این به آن‌ها پرداخته است، در حالی که به اصل موضوع - یعنی قلب‌های ما - می‌پردازد. در این مطالعه، عیسی با هدف نزدیک‌تر کردن ما به خود، به تمرکز بر مسائل قلب ما ادامه می‌دهد.

یکی از مخرب‌ترین چیزها برای عزت نفس یک فرد، انتقاد است. آیا تا به حال از دریافت نظرات تند و قضاوت‌آمیز دیگران رنج برده‌اید؟ انتقاد می‌تواند برای روح یک فرد ویرانگر باشد. به یاد دارم که در اوایل دهه بیست زندگی‌ام، زمانی که تازه شروع به موعظه و تعلیم کلام خدا کرده بودم، یک فرد تأثیرگذار در زندگی‌ام پس از چند بار شنیدن موعظه‌هایم به من گفت که باید موعظه را کنار بگذارم چون در این کار استعداد ندارم. آن حرف‌ها در آن زمان مرا ویران کرد! کسی که با چنین قضاوتی روبرو می‌شود، می‌تواند به دو شکل واکنش نشان دهد: یا اینکه کاملاً از رویاهای خدمت خود دست بکشد، یا اینکه با تلاش بیشتر در کاری که خدا او را به آن فرا می‌خواند، پاسخ دهد. به خودم گفتم، اگر در رساندن کلام خدا خوب نیستم، سخت تلاش خواهم کرد تا بهتر شوم تا چیزی معنادار و روحیه بخش برای به اشتراک گذاشتن داشته باشم. گاه‌به‌گاه، آن کلمات به ذهنم بازمی‌گردند تا به من یادآوری کنند که نباید به درس‌های گذشته یا خرد اندوخته‌ام اکتفا کنم، بلکه باید به ندای خدا پاسخ دهم و هر کاری که در توان دارم انجام دهم تا به دنیا بروم و برای کسانی که مایل به شنیدن هستند، مژده بدهم. عیسی در موعظه خود بر کوه، در مورد احتیاط در قضاوت دیگران نصیحت کرده بود.

قضاوت در دیگران: تشخیص در برابر انتقاد

«قضاوت نکنید تا قضاوت نشوید. زیرا همان‌طور که قضاوت می‌کنید، قضاوت خواهید شد و به همان پیمانی که می‌پیمید، برای شما پیموده خواهد شد.»^۳ چرا به خرده چوبی که در چشم برادرت است می‌نگری و به تیر چوبی که در چشم خودت است توجهی نمی‌کنی؟^۴ چگونه به برادرت می‌گویی: «بگذار ذره چوب را از چشم تو بیرون کنم»، در حالی که تمام مدت تخته چوبی در چشم خودت هست؟^۵ ای ریاکار، اول تخته را از چشم خود بیرون کن، آنگاه می‌توانی واضح ببینی تا خرده چوب را از چشم برادرت بیرون کنی.^۶ «مقدس را به سگ‌ها مده و مرواریدهای را پیش خوک‌ها مینداز؛ مبدا زیر پایشان لگندمال کنند و برگردند و تو را پارمپاره سازند» (متی ۷: ۱-۶).

عیسی از تصویر «تخته» و «خردل» استفاده می‌کند. چرا برای ما این‌قدر آسان است که نقص کوچک دیگری را ببینیم و در عین حال نقص عظیم خود را نادیده بگیریم؟

کلمه «داوری کردن» (آیه ۷) از واژه یونانی «krino» آمده است که ریشه کلمه «critic» (منتقد) نیز هست. معنای اصلی آن «جدا کردن» است، اما می‌تواند به قضاوت در دادگاه یا تشخیص حقیقت از دروغ نیز اشاره داشته باشد. تشخیص حقیقت از دروغ کاری است که از ما انتظار می‌رود و برای رشد معنوی و شاگردی ما حیاتی است. بنابراین، عیسی نمی‌گوید که ما

هرگز نباید قضاوت کنیم، همان‌طور که در آیه ۶ توضیح می‌دهد: «آنچه مقدس است به سگ‌ها ندهید.» ما نباید اشتباهات را نادیده بگیریم. پولس رسول به شاگردش، تیموتائوس، دستور داد که شتاب‌زده دست بر هیچ‌کس نگذارد (اول تیموتائوس ۲: ۲۲). این بدان معناست که نباید خیلی سریع به رهبران نوظهور اقتدار رهبری داد، بلکه باید شخصیت آنها را ارزیابی کرد. همه اینها مستلزم آن است که رهبران در مورد افراد قضاوت نکنند. بنابراین، عیسی واقعاً وقتی به ما می‌گوید قضاوت نکنیم، چه می‌گوید؟ درست همان‌طور که میوه روی شاخه قبل از اینکه برای چیدن و خوردن آماده شود مراحل مختلفی را طی می‌کند، شاگرد بودن به معنای این است که ما باید با فیض فراوان به برادران و خواهران خود قضاوت کنیم، نه اینکه در هر مرحله از رشدشان آنها را مورد انتقاد قرار دهیم. ما باید به آنها فرصت رشد در فیض را بدهیم و به یاد داشته باشیم که استاد ما را با همان معیاری قضاوت خواهد کرد که ما در زندگی خود به کار برده‌ایم.

اگر نتوانید بفهمید دیگران از چه زمینه‌ای می‌آیند، نمی‌توانید به عنوان یک شاگرد به پیشرفت زیادی دست یابید، اما در قضاوت خود مراقب باشید که صرفاً بر اساس ظاهر قضاوت نکنید. برخی از برجسته‌ترین رهبران خدا در شرایط دشوار بزرگ شده‌اند و از منابع یا تشویق‌های دنیوی اندکی برخوردار بوده‌اند. همان‌طور که به عنوان یک شاگرد خداوند ما عیسی رشد می‌کنید، ابتدا قضاوت خود را بر خود متمرکز کنید. تیر را از چشم خود بیرون کن تا بتوانی واضح ببینی و خرده چوب را از چشم دیگری بیرون کنی. به اصلاحات روح‌القدس توجه کن، همان‌طور که او تو را به تغییر در افکار و اعمال ترغیب می‌کند. ایمانداران تازه‌کار باید پیش از آنکه در زندگی دیگران سخن بگویند یا در کلیسای خدا رهبری کنند، بر پرورش شخصیت خود تمرکز کنند. هنوز هم لرزه بر اندام می‌افتد که فکر می‌کنم اگر به آن شخص تأثیرگذار که به من توصیه کرد از تعلیم کلام خدا دست بردارم، گوش می‌دادم، امروز کجا بودم.

قدرت دعا و درخواست مداوم: بخواهید، بجوید و در بزنید

«درخواست کنید تا به شما داده شود؛ بجوید تا بیابید؛ بگوید تا برای شما باز شود.»^۸ زیرا هر کس که درخواست کند دریافت می‌کند؛ هر که جست‌وجو کند می‌یابد؛ و به کسی که بر در می‌کوبد، در باز خواهد شد.^۹ «کدام یک از شما اگر پسرش از او نان بخواهد، به او سنگ خواهد داد؟^{۱۰} اگر از شما ماهی بخواهد، آیا مار به او خواهد داد؟^{۱۱} پس اگر شما که آدم‌های بدی هستید می‌دانید چگونه هدیه‌های نیکو به فرزندان خود بدهید، چه اندازه پدر شما در آسمان هدیه‌های نیکو به کسانی خواهد داد که از او درخواست می‌کنند؟^{۱۲} پس در هر چیز آنچه برای خود می‌پسندید، برای دیگران نیز بکنید، زیرا این خلاصه شریعت و انبیاست (متی ۷: ۱۲-۷).

اکنون خداوند تمرکز خود را به ارائه بینش و تشویق برای دعایی پیروزمندانه معطوف می‌سازد. افعالی که او به کار می‌برد از نظر شدت افزایش می‌یابند، از درخواست از پدر شروع شده و سپس با افزودن عمل به درخواست‌هایمان—یعنی جستجوی پاسخ—یک قدم فراتر می‌روند. بسیاری از مردم به طور منفعلانه منتظر می‌مانند تا پاسخ از طریق پست به دستشان برسد، و اگرچه خدا گاهی اوقات به این شکل پاسخ می‌دهد، ما باید فعالانه به دنبال فرصت‌هایی برای پاسخ گرفتن به دعا‌هایمان باشیم. گاهی اوقات، این به معنای دنبال کردن یک شغل بهتر یا راه‌اندازی یک کسب‌وکار است. سختی‌ها می‌توانند راه خدا برای آموزش درس‌های جدید به ما باشند. سومین سطح شدت، همراه کردن جستجوی ما با کوبیدن در است—یعنی در واقع کوبیدن بر در—افزودن شور و اشتیاق به دعا‌هایمان. در دست‌نوشته‌های اصلی یونانی عهد جدید، درخواست کردن، جست‌وجو کردن و کوبیدن در همگی در زمان حال امر است، که به این معنی است که ما باید به طور مداوم به درخواست کردن، جست‌وجو کردن و کوبیدن در ادامه دهیم. عیسی فرض را بر این می‌گذارد که کسانی که آن روز در تپه‌ها به دنبال او بودند پدران خوبی هستند. او به تمایل آنها برای دادن چیزهای خوب به فرزندانشان استناد می‌کند و می‌گوید که احمقانه است اگر فکر کنیم پدر آسمانی کمتر از این عمل خواهد کرد. او می‌پرسد: «پس چقدر بیشتر پدر شما در آسمان به کسانی که او دوستشان دارد، عطایای نیکو خواهد داد؟»

مؤلف انجیل لوقا در روایت خود از تعلیمات عیسی در اینجا فراتر می‌رود. او یک مثل کوتاه اضافه می‌کند تا مثالی از آنچه خداوند درباره‌اش سخن می‌گوید به ما ارائه دهد:

درس‌هایی از تمثیل دوست در نیمه‌شب

شور و اشتیاق، تمایل و اصرار در آنچه درخواست می‌کنید، در دعا نتیجه‌بخش خواهد بود. مفهوم اصرار وفادارانه برای خداوند چنان حیاتی است که او تمثیلی را بیان کرد تا ما را تشویق کند در دعا با وجود هر مانعی پافشاری کنیم. وقتی به نظر می‌رسد پاسخی در کار نیست و گویی دعا‌های ایمانی شما نادیده گرفته می‌شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟ این است تمثیل دوست در نیمه‌شب:

«سپس به آنها گفت: «فرض کنید یکی از شما دوستی دارد و نیمه‌شب نزد او می‌رود و می‌گوید: "دوست من، سه قرص نان به من قرض بده، زیرا دوستی از سفر به دیدن من آمده و من هیچ‌چیز برای پذیرایی از او ندارم."» آنگاه کسی که داخل خانه است پاسخ می‌دهد: "مرا اذیت نکن. در را قفل کرده‌ام و فرزندم هم با من در بستر هستند. نمی‌توانم برخیزم و چیزی به تو بدهم." (8) به شما می‌گویم، اگرچه او به خاطر دوستی‌اش بر نمی‌خیزد و به او نان می‌دهد، اما به خاطر اصرار آن مرد، بر می‌خیزد و هر چه نیاز دارد به او می‌دهد (لوقا 11:5-8؛ تأکید از ماست).

در آیات فوق، ما داستان مسافری را می‌بینیم که در نیمه‌شب به خانه دوستش می‌رسد. در ماه‌های تابستان در خاورمیانه، مسافران اغلب برای فرار از گرمای روز، دیر هنگام سفر می‌کردند. این مسافر در سفر بود و وقتی از یک شهر خاص عبور می‌کرد، تصمیم گرفت بقیه شب را نزد دوستی بماند. در آن روزگار که نه ایمیلی بود و نه تلفنی، دوستش منتظرش نبود و نانی برای پذیرایی از او نداشت. ارائه مهمان‌نوازی با فراهم کردن غذا و مکانی برای خواب، یک وظیفه مقدس بود. صاحب‌خانه باید چه کار می‌کرد؟ نداشتن نان برای پذیرایی از دوستش، خجالت بزرگی بود. او به یاد دوستی افتاد که شاید بیدار شود و مقداری نان به او بدهد، بنابراین برای بیدار کردن و درخواست کردن از او رفت. در آن زمان در خاورمیانه، این امر رایج بود که کل خانواده‌ها در یک اتاق با هم می‌خوابیدند. حتی امروزه نیز در برخی کشورهای آسیایی، این یک رویه رایج باقی مانده است.

در سال ۱۹۷۶، من به همراه دوستی سفر کردم و از اروپا، از طریق خاورمیانه، به آسیا رفتیم. در شهری که از آن عبور می‌کردیم، هیچ هتل معمولی‌ای پیدا نکردیم، بنابراین وقتی پرسیدیم، از ما دعوت شد که در همان جایی بمانیم که بسیاری از مسافران آسیایی دیگر آن شب اقامت داشتند. ساعت از ۱۰ شب گذشته بود و ما از سفری با اتوبوسی لرزان از میان کوه‌ها خسته بودیم. تا وقتی که اتاق را دیدیم، بسیار ارزان به نظر می‌رسید. اتاق بزرگی بود که حدود بیست نفر دیگر روی زمین، با یک فرش یا حصیر ضخیم روی خود، در آن خوابیده بودند. از اینکه قرار بود در اتاقی با این همه آدم دیگر که از قبل روی زمین خوابیده بودند بخوابیم، شوکه شدیم. آنجا یک فضای خواب مشترک بود. به جز یک بخاری هیزمی در وسط برای گرم نگه‌داشتن ما، اثاثیه‌ای وجود نداشت. به اشتراک گذاشتن یک اتاق با حدود بیست نفر دیگر تجربه جالبی بود!

برای غربی‌ها، این موضوع که افراد زیادی در یک اتاق با هم می‌خوابند ممکن است غیرعادی به نظر برسد، اما در خاورمیانه و آسیا، این امر رایج است. عیسی مردی را توصیف می‌کند که پس از نیمه‌شب بیدار می‌شود، در حالی که تمام خانواده‌اش در نزدیکی او خوابیده‌اند. کمک کردن به او مستلزم این بود که در تاریکی شب بی‌صدا بلند شود، مراقب باشد که فرزندانش را بیدار نکنند، چراغی پیدا کند، آن را روشن کند و سپس نان بیاورد، کاری که به احتمال زیاد کل خانواده را بیدار می‌کرد. تصور کنید او از طریق پنجره با دوستش زمزمه می‌کند، در حالی که امیدوار است دوستش بفهمد چرا نمی‌تواند برایش نان بدهد. پاسخ او این بود: «فرزندم با من در بستر هستند. نمی‌توانم بلند شوم و چیزی به تو بدهم» (لوقا ۱۱: ۷). این پاسخ به نظر پاسخ نهایی می‌رسید، اما داستان به آنجا ختم نشد.

ویلیام بارکلی در تفسیر خود می‌نویسد:

در شرق، هیچ‌کس به در بسته نمی‌کوبید مگر اینکه نیازی مبرم داشت. صبح که در باز می‌شد، تمام روز باز می‌ماند، زیرا حریم خصوصی کمی وجود داشت؛ اگر بسته بود، نشانه‌ای قطعی بود که صاحب‌خانه نمی‌خواهد مزاحمتی برایش ایجاد شود. اما صاحب‌خانه جویا دلسرد نشد. بلکه به کوبیدن در ادامه داد.^۱

در بیان این تمثیل، به نظر شما چرا عیسی مردی را گنجانده که تمایلی به برخاستن و کمک به دوستش نداشت؟ فکر می‌کنید عیسی با اعمال این شخصیت و نحوه واکنش او به دوستش می‌خواست چه چیزی را نشان دهد؟

^۱ ویلیام بارکلی، تفسیر روزانه کتاب مقدس، انجیل لوقا، انتشارات سنت اندرو، صفحه ۱۴۵.

اندرو موری، نویسنده کتاب «با مسیح در مکتب دعا»، مشاهده‌ای عالی در مورد این بخش ارائه می‌دهد.

چه راز آسمانی عمیقی است این دعای مداوم! خدایی که وعده داده و مشتاق بخشش برکت است، آن را به تأخیر می‌اندازد. این موضوع برای او چنان اهمیت عمیقی دارد که دوستانش روی زمین باید دوست ثروتمندشان در آسمان را بشناسند و کاملاً به او اعتماد کنند! به همین دلیل، او آنها را در مکتب پاسخ‌های به تأخیر افتاده آموزش می‌دهد تا دریابند که چگونه استقامتشان واقعاً پیروز می‌شود. اگر آنها صرفاً خود را وقف آن کنند، می‌توانند در آسمان قدرتی عظیم به کار گیرند!²

تمرکز بر کلمه «جرات» در لوقا ۱۸:۸ در نسخه بین‌المللی جدید (NIV) یا «اصرار» در نسخه پادشاه جیمز (KJV) است. کلمه یونانی Anaideia در نسخه NIV به «جرات» ترجمه شده است. این کلمه یونانی به معنای تحت‌اللفظی «بدون شرم» است. «کتاب مقدس مطالعه واژگان کلیدی» توضیح می‌دهد که معنای آن این است: «بی‌شرمی، بی‌پروایی، جسارت. این اصطلاح توصیف‌کننده اصرار گستاخانه‌ای است که در پیگیری چیزی نشان داده می‌شود، اصرار آمیزی‌ای که با بی‌ادبی و بی‌شرمی مشخص می‌شود.»

نسخه پادشاه جیمز کلمه Anaideia را با واژه انگلیسی «importunate» (لج‌باز) ترجمه می‌کند. فرهنگ لغت وبستر می‌گوید که importunate به معنای: «فوری یا مداوم در درخواست یا مطالبه؛ کسی که به رد شدن تن نمی‌دهد؛ لج‌باز یا مداوم به شکلی آزاردهنده، در دسرساز» است.

با توجه به معنای یونانی *آنایدیای* (جرات بی‌شرمانه)، این موضوع دیدگاه شما را نسبت به خدا چگونه تغییر می‌دهد؟ آیا احساس می‌کنید می‌توانید با او «بی‌شرمانه پافشاری» کنید، یا احساس می‌کنید که دارید او را «آزار» می‌دهید؟

ایمانی و استقامتی وجود دارد که تا زمانی که آنچه را نیاز دارد دریافت نکند، از خدا دست نمی‌کشد. این ایمانی را توصیف می‌کند که خدا را خشنود می‌سازد. در واقع، نکته این تمثیل این است که آن مرد از درخواست کردن به جست‌وجو روی آورد و در نیاز مبرم خود، به کوبیدن بر در ادامه داد و اجازه نداد دوستش دوباره بخوابد تا اینکه نانی را که نیاز داشت به دست آورد. آنچه عیسی در این بخش می‌گوید این است که اگر بتوان یک دوست بدخلق را با اصرار بی‌شرمانه و بی‌پروا متقاعد کرد که از خواب برخیزد و به دوستش نان بدهد، خداوند که مشتاق است به قوم خود غذا و لباس بدهد، به هنگام درخواست، چقدر بیشتر این کار را خواهد کرد؟ این داستان برای تشویق ما به استقامت در دعا و ناامید نشدن آورده شده است. اگر اصرار و جسارت بی‌شرمانه بتواند نیازهای انسان را در برابر مردی که از مزاحمت عصبانی بود مطرح کند، خدا چقدر بیشتر برای ما کاری خواهد کرد؟ خدا بی‌نهایت مهربان، مشتاق و آماده است تا به ما نیکی کند. پدر ما از اصرار ما عصبانی نیست، بلکه مشتاق است که ما یاد بگیریم چگونه با پافشاری در دعا بر مشکلات غلبه کنیم.

قانون طلایی: استاندارد جدیدی برای روابط

عیسی به بحث درباره پافشاری و ایمان در دعا ادامه می‌دهد و بر قاعده طلایی که باید راهنمای هر مؤمن باشد تأکید می‌کند: «پس در هر چیز، آنچه را برای خود می‌پسندید، برای دیگران نیز بکنید، زیرا این خلاصه شریعت و انبیاست» (متی ۲۳:۷). این تعلیم با هیچ‌یک از آنچه تا آن روز بر فراز آن تپه شنیده شده بود، قابل مقایسه نبود. اظهارات عیسی «پایه و اساس کل این سخنرانی» نامیده شده است، زیرا دیدگاهی کاملاً جدید نسبت به زندگی ارائه می‌داد. پیش از این، این گفتار همیشه به صورت منفی بیان می‌شد. هیل، ربی بزرگ یهودی (۱۱۰ پیش از میلاد - ۱۰ پس از میلاد)، گفت: «آنچه برای خود ناخوشایند است، برای دیگری انجام مده؛ این کل شریعت است و بقیه‌اش تفسیر است.» قانون طلایی در شکل منفی خود وجود دارد، اما عیسی رویکردی کاملاً جدید در مورد نحوه رفتار مؤمنان معرفی می‌کند. پیش از موعظه بر کوه، تعلیم رایج این بود که با دیگران کاری نکنیم که دوست نداریم آنها با ما کنند، اما عیسی آن را به شکلی مثبت بازگو می‌کند: «آنچه را دوست دارید دیگران به شما کنند، به آنها بکنید.» برخی ممکن است فکر کنند که بی‌عملی برای خشنود ساختن خدا کافی است، اما عیسی تعلیم می‌دهد که ما باید فعالانه برای تأثیرگذاری بر جامعه گام برداریم.

انتخاب راه: درگاه تنگ در برابر راه هموار

² اندرو موری، با مسیح در مکتب دعا، انتشارات ویتاکر هاوس، ۱۹۸۱، صفحه ۶۴.

^{۱۳} «از در تنگ داخل شوید. زیرا دروازه وسیع و راه هموار به هلاکت می‌انجامد و بسیاری از آن وارد می‌شوند.
^{۱۴} اما دروازه تنگ و راه باریک به حیات می‌انجامد و تنها عده کمی آن را می‌یابند» (متی ۷: ۱۳-۱۴).

مردم هر روز در مورد زندگی تصمیم‌گیری می‌کنند. با این حال، انتخاب زندگی بر اساس ارضای نفس و هوس‌های گناه‌آلودمان و انجام کاری که به نظرمان درست می‌آید، از نظر عیسی دروازه‌ای وسیع و راهی پهن است که بسیاری آن را دنبال می‌کنند. در عوض، خداوند می‌خواهد که ما مسیر دشوارتر را در پیش گیریم—مسیری که به زندگی و ابدیت می‌انجامد. عیسی این را با تصویر مردی تشریح می‌کند که از دروازه‌ای بزرگ و آسان‌یافتنی وارد شهری شلوغ می‌شود و سپس در امتداد یک خیابان اصلی و پهن راه می‌رود. این جاده پهن آنقدر وسیع است که می‌تواند هر ایده‌ای درباره اینکه شما کیستید یا به کجا می‌روید را در خود جای دهد. می‌توانید هر چیزی را بر دوش بکشید و حتی برای عبور از دروازه نیازی به تخلیه بار خود نخواهید داشت. این مسیر هیچ تلاشی یا تغییر قلبی نمی‌طلبد، زیرا همه پذیرفته می‌شوند. متأسفانه، این راه به نابودی منتهی می‌شود و بسیاری در آن مسیر اصلی در حرکتند. بسیاری از ما زمان‌هایی را در زندگی‌مان به یاد می‌آوریم که از دری وارد شدیم که به تسلیم شدن در برابر هوس‌ها و اعمال یا نگرش‌های گناه‌آلود منتهی می‌شد؛ اموری که اکنون از آن‌ها پشیمانیم و بر شخصیت و انسان درونی ما تأثیر منفی گذاشته‌اند.

عیسی همچنین از دروازه‌ای تنگ سخن گفت، راهی که یافتن آن دشوار است و نیازمند تلاش است، و نیز لزوم رهایی از سستی و انفعال برای جستجوی راه با تمام وجود. تنها اندکی این راه تنگ را کشف کرده و در آن گام برمی‌دارند. الکساندر مک‌لارن دو بخت اول را به ستون‌های کناری این دروازه تنگ تشبیه کرد (متی ۵: ۳-۴). ستون یک طرف، نمایانگر آگاهی از ورشکستگی روحانی فرد است، در حالی که دیگری نشان‌دهنده دعوت به اندوه بر گناه است. هنگامی که از درگاه تنگ وارد می‌شویم، مسیر به سوی زندگی جاودانه همچنان تنگ و چالش‌برانگیز باقی می‌ماند و از ما می‌خواهد که روزانه نسبت به خودخواهی بمیریم؛ با این حال، این همان مسیری است که در آن روح القدس ما را دگرگون می‌سازد. میوه حقیقی کار روح در درون ما تنها در آن روز نهایی، هنگامی که در پیشگاه خداوند جلال می‌ایستیم، آشکار خواهد شد؛ زیرا ما با همان خصلت درونی که خدا در درون ما شکل داده است، به ابدیت «فارغ‌التحصیل» می‌شویم.

^{۱۵} «مراقب انبیای دروغین باشید. آنها به صورت گوسفند پیش شما می‌آیند، اما در باطن گرگ‌های درنده هستند.»^{۱۶} از میوه آنها را خواهید شناخت. آیا از خارزار انگور چیده می‌شود، یا از خارآلوده انجیر؟^{۱۷} به همین ترتیب، هر درخت خوبی میوه خوب می‌دهد، اما درخت بد میوه بد می‌دهد.^{۱۸} درخت خوب نمی‌تواند میوه بد بدهد و درخت بد نمی‌تواند میوه خوب بدهد.^{۱۹} هر درختی که میوه خوب ندهد، قطع می‌شود و در آتش انداخته می‌شود. ۲۰ پس، از میوه‌هایشان آنها را خواهید شناخت (متی ۷: ۱۵-۲۰).

عیسی از «گرگ‌های در لباس میش» هشدار می‌دهد. در عصر دیجیتال ما با رسانه‌های اجتماعی و اخبار شبانه‌روزی، چه «ثمري» را باید جست‌وجو کنیم تا معلم راستین را از دروغین تشخیص دهیم؟

بسیاری باید ببینند که پیامبران دروغین چگونه هر روز پیام‌های خود را بیان می‌کنند. همه ما از کسانی که پنج دقیقه صرف آموزش می‌کنند و بیست دقیقه صرف اینکه چگونه باید امور مالی خود را به آنها بسپاریم، آگاهییم. پیامبران دروغین از بیرون صادق به نظر می‌رسد اما کم، اگر اصلاً، در مورد توبه و ایمان به مسیح صحبت می‌کند. این پیامبران دروغین زمان ما اغلب دروغ‌ها و فریب‌های خود را از طریق رسانه‌ها پخش می‌کنند. با لغو قانون اسمیت-ماند در سال ۲۰۱۳، اکنون تبلیغات برای عموم مردم آمریکا قانونی شده است. پیامبران دروغین در برنامه‌های خبری امروزی ظاهر می‌شوند، یک واقعیت دروغین ارائه می‌دهند و هر چیزی را که به ملکوت خدا مربوط می‌شود، نادیده می‌گیرند. رسانه‌های خبری از نظر هیئت مدیره تحت مالکیت بابل روحانی هستند و روایت‌های دروغین را ترویج می‌کنند و در تلاشند تا نظام جهانی تحت کنترل ارواح شریر که از طریق افرادی در پشت صحنه عمل می‌کنند را پیش ببرند.

مؤمنان به مسیح باید در مورد آنچه شبکه‌های اصلی خبری و سرگرمی تلویزیون ترویج می‌کنند، بصیرت داشته باشند. باشد که خداوند به ما بصیرت عطا فرماید تا میوه قوانین و ابتکاراتی را که ترویج می‌شوند، بشناسیم. ما به روح القدس نیاز داریم تا چشمانمان را بگشاید: «به تعلیم و شهادت! اگر آنها بر اساس این کلام سخن نگویند، به این دلیل است که نور صبح را

ندارند» (اشعیا ۲۰:۸). با وجود این همه فریب در جهان امروز، بیش از هر زمان دیگری، باید در جستجوی روزانه کتاب مقدس کوشا باشیم.

۲۱ «هر که به من بگوید: "ای خداوند، ای خداوند"، داخل پادشاهی آسمان خواهد شد، بلکه آن کس که اراده پدر من که در آسمان است را به جا می‌آورد. ۲۲ بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: "ای خداوند، ای خداوند، آیا به نام تو نبوت نکردیم و به نام تو شیاطین را بیرون نکردیم و به نام تو معجزات بسیاری انجام دادیم؟" ۲۳ آنگاه آشکارا به آنها خواهم گفت: هرگز شما را نشناختم. از پیش من بروید، ای شریران!» (متی ۷: ۲۱-۲۳).

همیشه افرادی در اطراف ما خواهند بود که خود را مسیحی نشان می‌دهند اما حیات و روح خدا در زندگی‌شان فعال نیست. آنها گرگ‌هایی در لباس میش هستند. آنها شبیه مؤمنان واقعی به نظر می‌رسند و حتی به نظر می‌رسد که با قدرت و اقتدار گام برمی‌دارند، اما از میوه روح بی‌بهره‌اند. آنها حرف‌های درست را می‌زنند، اما وقتی از آنها سؤال‌های مشخصی درباره ایمان مسیحی می‌پرسید، از پاسخ‌های روشن درباره موضع‌شان نسبت به گناهان خاص جسمانی طفره می‌روند. برخی فریب می‌خورند و گمان می‌کنند که به خاطر اعمالشان به بهشت خواهند رفت، اما مسیح در گله است و او می‌داند که آیا ما واقعاً به او ایمان داریم و بر او اعتماد می‌کنیم یا نه. یکی از ترسناک‌ترین چیزهایی که می‌تواند برای یک شخص اتفاق بیفتد این است که فکر کند وقتی می‌میرد به بهشت خواهد رفت، اما از استاد بشنود: «هرگز شما را نشناختم. از پیش من بروید، ای شریران!» (آیه ۲۳). ممکن است کسی ظاهر مناسبی داشته باشد و کلمات درست را بر زبان آورد، اما هرگز واقعاً به رابطه درستی با پادشاه آسمان درنیاید. امید است که در آن روز که این عصر شرور به پایان می‌رسد، هرگز ناامید نشوید.

پایه‌ای استوار: بنا نهادن زندگی خود بر صخره

۲۴ «پس هر کس این سخنان مرا بشنود و به عمل آورد، مانند مرد دانایی است که خانه‌اش را بر صخره بنا کرد. ۲۵ باران بارید و رودها طغیان کردند و باده‌ها وزیدند و بر آن خانه کوبیدند؛ اما آن خانه فرو نریخت، زیرا بنیادش بر صخره بود. ۲۶ اما هر کس این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، مانند مردی احمق است که خانه‌اش را بر شن بنا کرد. ۲۷ باران آمد و سیلاب‌ها جاری شد و باده‌ها وزیدند و بر آن خانه کوبیدند و آن فرو ریخت و با صدای مهیبی ویران شد.» ۲۸ وقتی عیسی این سخنان را به پایان رساند، مردم از تعلیم او حیران شدند، ۲۹ زیرا او مانند کسی تعلیم می‌داد که اختیار داشت، نه مانند کاتبان‌شان (متی ۷: ۲۴-۲۹).

همه ما با «طوفان‌ها» (آیه ۲۵) روبرو می‌شویم. زمانی را توصیف کنید که طوفانی زندگی شما را درنوردید. آن طوفان چه چیزی را در مورد بنایی که در آن زمان بر آن بنا می‌کردید، آشکار ساخت؟

خداوند این پیام عالی را با تأکید بر چگونگی زندگی یک مؤمن حقیقی به پایان می‌رساند و ما را در مورد بنیاد ایمان هشدار می‌دهد. آیا راه زندگی شما بر پایه بنیاد محکم زندگی مسیح که در شما جاری است بنا شده، یا بر شنی متزلزل از افکار خودتان در مورد چگونگی زیستن استوار است؟ نکته کلیدی این است که آنچه را از موعظه بر کوه می‌شنوید، به عمل درآورید. سخنان عیسی گنجینه‌های واقعی هستند که شما را به ابدیت با او در ملکوتش هدایت خواهند کرد. نباید آنها را سبک بشمارید، بلکه باید آنها را بر لوح قلبتان بنویسید؛ بخش درونی ما که تصمیم‌گیری می‌کند.

کاربرد در زندگی: به کار بستن آن

۱. **بازبینی «تخته»** این هفته، قبل از اینکه از یکی از اعضای خانواده، همکار یا رهبر کلیسا انتقاد کنید، مکث کنید و از روح القدس بپرسید: «آیا در چشم من در مورد همین مسئله، «تخته‌ای» وجود دارد؟» متعهد شوید که به جای اشاره به عیب او، برای رشد آن شخص دعا کنید.

۲. **کوبیدن در نیمه‌شب** یک «در بسته» در زندگی خود را شناسایی کنید—یک موقعیت که غیرممکن به نظر می‌رسد یا دعایی که بی‌پاسخ مانده است. متعهد شوید که برای ۷ روز آینده با «پافشاری بی‌شرمانه» درخواست «نان» (تأمین) مورد نیاز خود را از خدا بخواهید.

۳. **ساختن بر صخره:** اطلاعات بدون تحول فقط «شن» است. یک فرمان مشخص از موعظه بر کوه (مانند محبت به دشمنان، بخشش در نهان، یا نگرانی نکردن) را انتخاب کنید و آن را حداقل یک بار قبل از جلسه بعدی عمداً تمرین کنید.

دعا می‌کنم که هر یک از ما که این سخنان را می‌شنود، آنها را رها نکند، بلکه بگذارد که در ارزش‌هایمان و در سبک زندگی‌مان تغییری ایجاد کنند.

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com